

ریشه‌های جنگ جدید چین؛

برخورد تمدن‌ها، یا ماجراجوئی و هابیون؟

مسکو و شهرهای دیگر که دست کم ۳۰۰ کشته به جای گذاشت. می‌داند. روسیه به تلافی، جمهوری

مسلمان‌نشین چین را به عنوان خاستگاه دهشت‌افکنان مسلمان بمباران کرد.

سیاری از مقام‌ها و روزنامه‌نگاران روسیه می‌گویند که کشورشان در خط مقدم جنگ تمدن و بربریت است و از این

رو سزاوار است که در این نبرد از سوی غربی‌ها حمایت شود. ولادیمیر پوتین

نخست‌وزیر روسیه در دیداری که با کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا داشت گفت: «ما با دشمنی

مشترک، یعنی دهشت‌افکنی بین‌المللی روبرو هستیم.» مقام‌های مسکو می‌گویند که بن

لادن و رزمندگان تحت امر او در قفقاز می‌جنگند و در مسکو بمب می‌گذارند.

بوریس یتسین رئیس‌جمهور روسیه و افسران بسیار دقت می‌کنند تا بین مخالفان



یک جنگجوی اصولگرای چینی به سوی سنگر می‌دود

به نظر می‌رسد که اکنون نوبت روسیه است که خود را در خط مقدم جبهه مبارزه با دهشت‌افکنان اسلامی ببیند. حکومت روسیه مسلمانان ساکن جنوب را عامل انفجارهای شهر

دست کم تا همین اواخر دشمن اصلی آنچه که به دهشت‌افکنی (تروریسم) اسلامی موسوم شده، ایالات متحده آمریکا بود. اما به نظر می‌آید که پیروان دهشت‌افکنی اسلامی تنوع فکری یافته‌اند. این اسلام‌گرایان دشمنان مشترک دارند. آنها مخالف اسرائیل و حامی آن آمریکا هستند. از گرسنگی مردم عراق رنج می‌برند و از اینکه شیوه زندگی اسلامی تحت الشعاع جاذبه موزیانه فرهنگ غرب قرار می‌گیرد از درد به خود می‌پیچند. هرچه باشد آمریکا ستیزی در دهه گذشته وجه مشترک همه گروه‌های اسلام‌گرا بود. این اسلام‌گرایان در فوریه ۱۹۹۳ در مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک بمب‌گذاری کردند و جمعی از هم اینان بودند که با کار گذاشتن بمب در پایگاه آمریکاییان در عربستان سعودی در ژوئن ۱۹۹۶ نوزده سرباز آمریکایی را کشتند. انفجارهای مرگبار سفارت‌خانه‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا در ماه اوت ۱۹۹۸ اوج بروز کینه اسلام‌گرایان نسبت به آمریکا بود.

آمریکا در اکثر حمله‌های اخیر به منافع خود ردپای بن لادن، هماهنگ‌کننده بین‌المللی مسلمانان ستیزه‌جو را مشاهده کرده است. به عقیده آمریکا در فوریه سال گذشته بن لادن و هوادارانش در مصر، پاکستان و بنگلادش بیانه‌ای صادر کردند که در آن به صراحت گفته شده بود: «وظیفه هر مسلمان این است که آمریکاییان و متحدان نظامی و غیرنظامی آنان را در صورت امکان بکشند.»

چنین بیانه‌هایی که از آنها بوی خون استشمام می‌شود به درد کسانی می‌خورد که در پی برخورد تمدن‌ها هستند. پرفسور هاتینگتون در سال ۱۹۹۳ گفته بود: «در جهان پس از جنگ سرد گسل‌های فرهنگی و دینی خاستگاه کشمکش‌های بزرگ خواهد شد.»

فعلی خود در قفقاز و مسلمانان فرق بگذارند. آقای یلتسین گفته است: «دهشت‌افکنان دشمنانی بدون ملیت و فاقد ایمان هستند.» دیپلمات‌های روسیه اصرار دارند که این دهشت‌افکنان از جانب بسیاری از کشورهای مسلمان حمایت می‌شوند. «آقای کمال خرازی به روسیه قول داده است ایران علیه دهشت‌افکنان با متحد خود روسیه همکاری کند، روسیه نیز متقابلاً از ایران به خاطر مطرح کردن مسئله دهشت‌افکنان ظاهراً مسلمان در کنفرانس اسلامی سپاسگذاری کرد.

شاید به دلیل دوستی روسیه با بسیاری از کشورهای مسلمان باشد که نخست‌وزیر روسیه وادار شده است بگوید: «این دهشت‌افکنان مزدورانی بین‌المللی هستند که زیر شعارهای مذهبی پناه گرفته‌اند.»

با این همه، عموم مسلمانان در خیابان‌های مسکو - خواه تاتار باشند و خواه از اقوام دیگر روسیه مرکزی - از واکنش منفی عمومی نسبت به خود در هراسند. مفتی اعظم شهر مسکو به خبرنگار مجله اکونومیست گفت: «سیاستمداران و رسانه‌های گروهی ما مؤمنان مسلمان را با مردان مسلح یکی می‌دانند.» الکسی دوم رئیس کلیسای ارتودوکس روسیه از پیروان خود خواست تا به خاطر خشونت‌های اخیر نباید ۱۸ میلیون هم وطن مسلمان روسی را سرزنش کنند. وی به پیروان خود یادآوری کرد: «مسیحیان و مسلمانان روسیه به طور سنتی همواره در صلح و صفا با هم زندگی کرده‌اند.»

برخورد تمدن‌ها یا توطئه؟

حتی اگر جنگ در جنوب روسیه نمونه‌ای از برخورد تمدن‌ها نباشد ممکن است به زودی چنین بشود. در آن صورت آیا روسیه به غرب نزدیکتر می‌شود و از ملل شرق فاصله می‌گیرد؟ اسلام در حوزه جنوبی روسیه به صورت یک بحران حضور دارد، اما مسلمانان به هیچ وجه تنها معضل روسیه نیستند. در ماه اوت جنگ پس از دو سال بار دیگر در مرز چین و روسیه از سر گرفته شد، این بار نفوذ اسلام‌گرایان دهشت‌افکن داغستانی در خاک چین بهانه جنگ بود.

دو عامل دست به دست هم دادند تا آتش کشمکش را روشن کنند: یکی اختلاف دیرینه بین مسخدوف، رئیس جمهور منتخب چین و

پرخشی محافل معتقدند جنگ در جنوب روسیه حتی اگر نمونه‌ای از برخورد تمدن‌ها نباشد، ممکن است به زودی چنین شود.

شامیل باسایف، چهره جوانتر و ستیزه‌جوتر چینی که در تعدادی از خشونت‌ها علیه روسیه شرکت داشته است. عامل دیگر ظهور بی‌قانونی و فقر در دو جمهوری داغستان و چین است. در هر دو این جمهوری‌ها شکل بسیار ستیزه‌جویی از اسلام اجتمالی از عتربستان سعودی وارد شده است. ماه گذشته آقای باسایف و دوستان داغستانی (که دست کم تاکنون اقلیت کوچک و غیرمحبوبی در میان هم‌وطنانش هستند) نوعی حکومت کوچک اسلامی را در داخل داغستان اعلام کردند. آنها حتی با رافراتر گذاشته و سخن از ایجاد منطقه آزاد از چین تا سواحل دریای مازندران می‌گویند. فرماندهی کل ارتش روسیه در نمایش نظامی که در سه سال گذشته سابقه نداشته است بمباران گسترده

مواضع شورشیان را آغاز کرد. هنوز به اوایل سپتامبر نرسیده بودیم که ارتش روسیه اعلام کرد پیروزی قطعی را به دست آورده و شورشیان را از داغستان بیرون رانده است. بیش از سی هزار تن از افراد ارتش روسیه از مناطق مختلف به سمت جبهه‌های جنگ در چین رهسپار شدند.

جنگ روسیه با مسلمانان ستیزه‌جو موقعی به اوج خود رسید که چند انفجار شهرهای روسیه را در ماه سپتامبر لرزاند انفجار ۱۳ سپتامبر جان ۱۱۹ نفر را گرفت و مقام‌های روسیه انفجارها را بی‌هیچ دلیل محکمه پسندی به دهشت‌افکنان چینی نسبت دادند و رهبران چین هم به نوبه خود هرگونه دخالت در این بمب‌گذاری‌ها را تکذیب کردند.

بسیاری از مردم روسیه آنقدر نسبت به اهالی چین و قفقاز بدبین هستند که هر برجسی را به آنها می‌جسباند. بنابراین مقام‌های روسی نباید نگران شواهد محکمه پسند باشند تا افکار عمومی را علیه مسلمانان روسیه



ایران الکترونیک

IRAN ELECTRONIC

وارد کننده و توزیع کننده قطعات الکترونیک

نیمه‌هادی، رله، فیبر روکش مسدار

بلندگو، هسته فریت، قلع

قطعات اختصاصی طبق سفارش مشتری

بازرگانی امیری

تهران، خیابان مطهری، بعد از خیابان مفتح، خیابان مهر داد، شماره ۱۰

تلفن: ۸۸۳۱۹۸۱، ۸۸۲۹۵۱۳

فاکس: ۸۳۷۶۳۴، ۸۸۳۱۹۸۱

بشورانند. عده دیگری از روس‌ها دیدگاه بدبینانه‌تری دارند. باور آنان این است که طرفداران یلتسین از ترس باختن در انتخابات و برای حفظ قدرت خود دست به این بمب‌گذاری‌ها زده‌اند.

حتی کسانی که معتقدند این بمب‌گذاری‌ها فقط از چینی‌ها بر می‌آید بر این پندارند که نیروهای امنیتی نیز به قصد محک مردم به نوعی در این کار دخیل بوده‌اند، و این نظریه باب طبع نظریه‌پردازان توطئه است که در مسکو فراوانند بر طبق نظر اینان، جنگ‌های جنوب روسیه در حقیقت برای بهره‌برداری مقام‌های دولتی برپا شده است و دست پنهان مقامات داخلی و خارجی در آن دیده می‌شود. بنا بر گفته یک استاد بریتانیایی علوم نظامی شاغل در ارتش روسیه شواهدی در دست است که بن لادن به خشونت‌طلبان بمب‌گذار مسلمان کمک مالی کرده است. بنابه نظر وی، درست است که طرفداران بن لادن در داغستان و چین حضور دارند، اما به طور یقین آنان عامل اصلی جنگ چین نیستند.

روسیه در شمال قفقاز از دیرباز مشکل داشته است و این موضوع ربطی به کمک بن لادن و یا دیگران ندارد. دشمنی روس‌ها به سده ۱۹ میلادی باز می‌گردد. در آن موقع نیروهای تزار برای مهار چینی‌ها ۵۰ سال جنگیدند. صوفی‌گری و پیوندهای محکم خویشاوندی ملاط اصلی حفظ روابط مردم چین و قفقاز شمالی بود.

هرچند صوفی‌گری با تعمق و تفکر و گوشه‌نشینی توأم است، اما در میان کوه‌نشینان مغرور چین و داغستان ماهیتی ستیزه‌جو و ضد روسی یافته است.

مشایخ صوفیه چنین موعظه می‌کردند که مسلمانان نباید حاکمیت کفار اجنبی را بپذیرند. دو شکل پذیرفته شده جهاد در قفقاز وجود داشت: یا باید عالم دینی می‌شدند و یا جنگاور. چینی‌ها جنگاوران مسلمان بودند و داغستانی‌ها آشنا به تعالیم قرآنی.

انقلاب بلشویکی در ۱۹۱۷ قول داد که همه اتباع تزاری را از قید ظلم رها کند. با اوج‌گیری جنگ داخلی در روسیه بلشویکی، لنین و استالین به مسلمانان قول دادند که حکومت اسلامی نیمه مستقلی در روسیه و آسیای مرکزی خواهند داشت. لنین می‌گفت: «ای کسانی که مساجد و

عبادتگاه‌هایتان خراب شده است و تزارها و ظالمان روسیه اعتقادات و سنت‌های شما را نادیده گرفته‌اند - از حالا به بعد اعتقادات و سنت‌ها و نهادهای فرهنگی و ملی‌تان آزاد و محترم خواهد بود.» البته واقعیت حکومت شوروی با وعده‌های لنین بسیار فاصله داشت. زمانی سرکوب و زمانی توقف سرکوب مسلمانان کم‌کم به هنجار حکومت بلشویکی‌ها تبدیل شد. در ۱۹۴۴ چینی‌ها به همراه هفت قوم دیگر در راستای سیاست تنبیه اقوام غیرقابل اعتماد به مهاجرت اجباری دست جمعی وادار شدند، اما به خصوص فرهنگ چین از خود جان سختی نشان داد و دوام آورد.

تا دهه ۱۹۸۰ تخمین زده می‌شد که حدود ۵۰ میلیون نفر از شهروندان شوروی مسلمان تبارند. حاکمیت شوروی در غیر دینی ساختن اندیشه این مسلمان تبارها تأثیری فراوان به جای گذاشت. با این همه طبق عادت فرهنگی، بسیاری از مسلمان‌تبارها همچنان پسر بچه‌های خود را ختنه می‌کردند و مردگانشان را به سنت مسلمانی به خاک می‌سپردند. اما بسته بودن بسیاری از مساجد و از بین رفتن آموزش‌های دینی به این معنا بود که اطلاعات اسلامی تقریباً در شوروی محلی از اعراب ندارند. شمال قفقاز از مقدود مکان‌هایی بود که اسلام در آن هنوز قدرت داشت. تفکر صوفیه و صوفی‌گری توان بقا در اوضاع و احوال نیمه مخفیانه در دوران شوروی‌ها را داشت. چینی‌ها حتی بدون مسجد هم می‌توانستند خاطره مشایخ صوفیه منطقه خود را گرامی بدارند و به ذکر و سماع بپردازند. خانم «آنا زیلکینا» کارشناس روسی در امور اسلامی به خبرنگار اکونومیست گفت که در دوران شوروی‌ها کا - گ - ب درباره اخوت صوفیان در چین اطلاعات کافی داشت، اما صوفیگری راریشه‌دارتر از آن یافته بود که قصد نابودیش را بکند.

ورود وهابی‌ها

از زمان فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ سنت صوفیگری با چالشی متفاوت با دوران اقتدار شوروی روبرو بوده است. واعظانی از عربستان سعودی با مشاهده خلاء جهان‌بینی مارکسیست در خراب‌آباد اقتصادی و معنوی قفقاز و آسیای مرکزی به این مناطق آمدند. این واعظان که به دلارهای نفتی عربستان متکی

سیاستگذاران روسی از این پس باید درباره اسلام سیاسی حاشیه جغرافیای سیاسی جهان اسلام جدی‌تر فکر کنند.

هستند شکلی از اسلام را تبلیغ می‌کنند که با اندکی ساده‌نگری می‌توان وهابی‌گری نامید. این شکل از اسلام در عربستان سعودی غالب است. وهابیان مدعیند که به قرأت اسلام دوران پیامبر بیشترین قرابت را دارند. واعظان عربستان سعودی با زندگی غیردینی روس‌ها مخالفند و قصد دارند با پیامی جهان‌شمول موانع زبانی و قومی را در نوردند و از این رو نفس کشیدن را برای فرقه‌های صوفیگری در آسیای مرکزی تنگتر سازند.

بسیاری از چینی‌ها و داغستانی‌ها شکل جدید اسلام وهابی را با خود بیگانه می‌بینند و بعضی از آنها فعالانه با اسلام وهابی مخالفت می‌کنند. این مخالفت به اختلاف خانوادگی دامن زده است. با این همه وهابی‌ها با ساختن مساجد و دادن بورس‌های تحصیلی در میان جوانان که از فساد نهادهای دینی به جا مانده از دوران شوروی‌ها به تنگ آمده‌اند، طرفداران فراوانی یافته‌اند. وانگهی، هرج و مرج و آشفتگی به جا مانده از فروپاشی شوروی سبب می‌شود که

جوانان بیکار نتوانند در برابر جاذبه پول و سلاح و هدفمند شدن مقاومت کنند و جذب تبلیغات وهابیون عربستان شوند.

نبی عبدالله بف روزنامه‌نگار مقیم «ماخاچالا» پایتخت داغستان می‌نویسد: «برای جوانان سرخورده قفقاز وهاب‌گری پناهی معنوی است.» در آغاز وهابیون مسالمت‌آمیز عمل می‌کردند، چند دهکده را در داغستان در اختیار گرفتند و انجمن‌های جدیدی برای تفسیر قرآن برپا ساختند، اما به تدریج مسلح شدند و حوزه‌های نیمه خود مختار برای اجرای شریعت (قانون اسلامی) ایجاد کردند. وهابیون ادعا کردند که برای مقابله با حمله‌های پلیس و مقام‌های محلی به سلاح نیاز دارند. مقام‌های محلی مجاب شدند که آنها قشریون تحت حمایت خارجی‌ها هستند. در ۱۹۹۷ دولت داغستان وهاب‌گری را غیرقانونی دانست و عده‌ای از رهبران آن را دستگیر کرد. عده‌ای از رهبران وهابی گریختند و به همراه جمعی از مریدان خود به جمهوری همسایه، یعنی چین رفتند. چین هم با آن سابقه سنتی جنگاوری به پایگاه نظامی اسلام جدید وهابی تبدیل شد و آقای باسایف هم رهبری نظامی آن را بر عهده گرفت.

آقای باسایف که گروگانگیری بی‌باک است در جنگ روسیه علیه گرجستان در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ شرکت کرده بود و دو سال بعد، یعنی در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ نیز علیه روس‌ها در نبرد چینجنگید. باسایف که در ارتش روسیه آموزش دیده است اکنون اعلام می‌کند که رسالت زندگی‌ش جهاد علیه روس‌ها و گرفتن انتقام مردمش از آنهاست. جالب اینجاست که خود او وهابی نیست، اما از میان وهابیون برای سپاه خود سربازگیری می‌کند. باسایف مسلمانانی چچنی است. یعنی دو خصوصیت دینداری و جنگاوری را یکجا دارد، اما به رغم ریش انبوهش، کاملاً در قالب اصول‌گرایی یک بعدی نمی‌گنجد. وی از منزه‌طلبی افسراطی وهابیون انتقاد می‌کند و شخصیت‌هایی مانند گاریبالدی و آبراهام لینکلن را قهرمانان خود می‌داند. اما با این همه در جرگه باسایف جوانی عرب وجود دارد که مشهور به خطاب است و موی بلند سیاهش از ویژگی‌های اوست. خطاب در عربستان سعودی تحصیل کرده و

قبل از اقامت در چین در افغانستان با روس‌ها جنگیده است. در واقع او یکی از ۱۵۰۰۰ رزمنده جبهه‌های افغانستان است که به همراه مسلمانان عربستان سعودی، یعنی، مصری و الجزایری با پول آمریکا علیه اشغالگران شوروی در افغانستان جنگیده است. پس از خروج روس‌ها از افغانستان رزمندگانی نظیر خطاب یا به وطن خود بازگشتند و یا جایی دیگر را برای مبارزه پیدا کردند.

وجود رزمندگانی نظیر بن لادن سبب می‌شود تا روس‌ها خود را قربانی غول‌های اسلام‌گرای مخوفی بدانند که غربی‌ها و دوستان عربستان سعودی و پاکستانی‌شان زمانی علیه شوروی‌ها آفریده بودند. در دشمنی با خطرهای مشترکی نظیر همین اصول‌گرایی است که ایران و روسیه متحد هم می‌شوند.

رمزی یوسف رزمنده افغانی و از نزدیکان بن لادن که به خاطر بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی آمریکا محکوم شده، متهم است که در یک بمب‌گذاری در ژوئن ۱۹۹۴ در ایران هم نقش داشته است. از دیدگاه ایران، اصول‌گرایی طالبان در افغانستان محصول آمریکا و دوستان اوست.

چهره‌های متفاوت اسلام علوم رسی

اگر بتوان یک مثلث از رویارویی سیاسی - جغرافیایی در جهان امروز رسم کرد روسیه و آمریکا و جهان اسلام سه رأس این مثلث را تشکیل می‌دهند. البته آمریکا و روسیه هر کدام با چهره‌هایی از اسلام دوست و متحد، و با چهره دیگر مخالف هستند.

هرچند دیپلماسی روسیه در سود جستن از اختلافات جغرافیای سیاسی در جهان اسلام مهارت داشته، اما ممکن است زمختی و خشونت روس‌ها دشمنی مسلمانان مناطق مختلف را برانگیزد. تا همین جا حمله شدید روس‌ها بسیج نیرو را برای چچنی‌ها تسهیل کرده است. ممکن است مردم اینگوش و چند جمهوری دیگر در شمال قفقاز به جنگ علیه روسیه کشانده شوند.

اگر روسیه خود را درگیر جنگ با چند جمهوری بکند ابعاد بحران، گسترده خواهد بود. رهبر جمهوری تاتارستان می‌کوشد ملی‌گرایان و مسلمانان تاتار به دام احساسات ضد اسلام نیفتند، اما توان او با ادامه جنگ در چچن کاهش

می‌یابد. دشمنی با روس‌ها می‌تواند در میان مسلمانان عامل وحدت باشد و غیر از این اتحادی در میان مسلمانان دیده نمی‌شود. حتی یک نهضت وهابی منجمد در قفقاز وجود ندارد و این خود نقطه امید برای روسهاست.

یک اتحاد طبیعی بین چچن و داغستان نیز موجود نیست. چچن که مساحتی حدود «ویلز» - در انگلستان - دارد از لحاظ قومی تقریباً همگن است. اما داغستان با مساحتی شبیه اسکاتلند از ۳۴ گروه قومی متمایز تشکیل شده است. این دو جمهوری خواهان روابطی متفاوت با روسیه هستند. برای مثال، چچنی‌ها هنوز زخم کهنه جنگ چند سال پیش با روس‌ها را فراموش نکرده‌اند و از این رو میل جدایی از روسیه در میان آنها قویتر است، در حالی که مردم داغستان از لحاظ هویتی خود را چندان از روس‌ها جدا نمی‌دانند و از لحاظ اقتصادی نیز بسیار به روسیه وابسته هستند.

جنگ در قفقاز نشان می‌دهد که اسلام به اشکال مختلف در این منطقه حاکم است و خاورمیانه و بخشی از آفریقا که زمانی گهواره اسلام سیاسی و ستیزه‌جو بود به اسلام معتدل‌تر نزدیک می‌شود. حتی در الجزایر هم خشونت ظاهراً اسلامی خود را کم‌کم تسلیم آرامش و میانه‌روی می‌کند.

«الویه روی» کارشناس فرانسوی نهضت‌های اسلامی معتقد است که اسلام سیاسی از گهواره خود یعنی خاورمیانه به نواحی حاشیه جهان اسلام رانده شده است.

در قفقاز و آسیای مرکزی و همچنین در یوگوسلاوی سابق اسلام سیاسی با یک دهه تأخیر ظهور کرده است و به لحاظ قدرت بی‌ثبات کننده آن بخت کسب قدرت بیش از اشکال اسلام سیاسی دو دهه قبل را دارد.

سیاست‌گذاران روسی از این پس باید درباره اسلام سیاسی حاشیه جغرافیای سیاسی جهان اسلام جدی‌تر فکر کنند. اما جوامع صنعتی غرب نیز مانند آلمان و آمریکا از اسلام سیاسی در امان نیستند. جوانان سرخورده شهر دترویت آمریکا و یا فرانکفورت آلمان برای فرار از فقر و نژادپرستی به اسلام سیاسی پناه می‌برند.

مأخذ: اکونومیست - هفته دوم اکتبر ۱۹۹۹
برگردان از بخش ترجمه گزارش